



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده زبانهای خارجی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: زبانشناسی همگانی

عنوان:

**بررسی چرائی و چگونگی حضور افزوده های (اختیاری و اجباری)
فارسی در چهارچوب دستور نقش و ارجاع**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر کیوان زاهدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر بهرام مدرسی

پژوهشگر:

زهرا ساغری

بهار ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده زبانهای خارجی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: زبانشناسی همگانی

عنوان:

**بررسی چرائی و چگونگی حضور افزوده های (اختیاری و اجباری)
فارسی در چهارچوب دستور نقش و ارجاع**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر کیوان زاهدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر بهرام مدرسی

پژوهشگر:

زهرا ساغری

بهار ۱۳۹۱

به خانواده ام

با سپاس از دکتر ژینوس شیروان و

دکتر بهرام مدرسی که مرا با نحو آشنا کردند و

استاد فقیدم دکتر کیوان زاهدی که ارکان تفکر علمی درباره زبان را به من آموختند.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب زهرا ساغری دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی

۸۷۰۰۰۰۲۶۹۰۰ در رشته زبان‌شناسی همگانی که در تاریخ ۱۳/۰۲/۱۳۹۱

از پایان نامه خود تحت عنوان: بررسی چرائی و چگونگی حضور افزوده های (اختیاری

و اجباری) فارسی در چهارچوب دستور نقش و ارجاع

با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱ - این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از

دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام،

مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست

ذکر و درج کرده ام.

۲ - این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر

دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳ - چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب،

ثبت اختراع و از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه

را اخذ نمایم.

۴ - چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و

واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال

مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: زهرا ساغری

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ :

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم زهرا ساغری از پایان نامه خود دفاع نموده و

و با درجه

بحروف

با نمره

مورد تصویب قرار گرفت .

امضاء استاد راهنما :

۱-۱: بیان مسئله:

زبان بعنوان یکی از پیچیده‌ترین میراث بشر همواره مورد مطالعات گوناگون قرار داشته است. قدمت این مطالعات به نیمه‌ی هزاره‌ی پیش از میلاد در سرزمین‌های هند کنونی می‌رسد. مطالعات زبان توسط پانی‌نی بر روی سانسکریت باستان و در سده‌ی سوم یا چهارم پیش از میلاد بر روی زبان‌های یونانی، عبری و عربی و... بیانگر توجه خاص اندیشمندان به حوزه‌ی شناخت زبان و تدوین قوانین جامع و شناسایی رفتار آن به مثابه ابزاری برای ارتباط است. در سیر تکاملی شناخت زبان همواره مکاتب گوناگون سعی در القای افکار منحصر به خود را داشته‌اند و هر مکتب در مقام انتقاد و زیر سوال بردن مکاتب دیگر تلاش فزاینده‌ای جهت گسترش مبانی نظری و عملی خود داشته است. این تقابل سال‌هاست که در تمام حوزه‌های علمی مشاهده می‌شود، از این‌رو، زبان‌شناسی بعنوان حوزه‌ی علمی مطالعه‌ی زبان از این قاعده بیرون نیست.

رشد و توسعه‌ی هر مکتب براساس پاسخگویی به سوالاتی شکل گرفته است. این سوالات گاه در ساده‌ترین شکل ممکن بروز پیدا می‌کنند. مثلاً پژوهشگر بدنبال پاسخی برای سوال «طریقه‌ی صرف فعل زمان گذشته در زبان فارسی» می‌گردد و با توجه به این سوال دستور کاملی از صرف فعل فارسی در زمان گذشته تدوین می‌شود. پرسش‌های بزرگتر و جامع‌تر نیازمند مطالعات گسترده‌تر و کاملتری هستند. «آیا زبان‌های دنیا رابطه‌ای با یکدیگر دارند و یا ساز و کار آنها منفک از هم عمل می‌کنند؟» برای یافتن پاسخ چنین سوالی پژوهشگر نیازمند آشنایی با زبان‌های گوناگون و طبقه‌بندی آنهاست. در نتیجه حجم کاری که باید انجام گیرد بسیار وسیع است و گاه چندین دهه زمان می‌برد تا گروه‌های مختلفی از پژوهشگران در سراسر دنیا تلاش کنند و به این چنین سوالی پاسخ دهند. از دل پاسخ‌های بدست آمده چهارچوب‌های نظری گوناگونی پدید می‌آید. بعنوان مثال در پاسخ به سوال «آیا نحو در

زبان‌های طبیعی قادر است بصورت کفایی (آزاد از هرگونه فرامتن) تعیین شود؟» چهارچوب نظری دستور ساخت گروهی تعمیم یافته^۱ شکل گرفت و یا با تلفیق دستور ساختگرایی همگانی و پدیده‌های گوناگون زبان‌های طبیعی چهارچوب نظری دستور واژ-نقشی^۲ پدیدار شد که در آن قواعد واژگانی نقش منحصر به فردی داشتند و در ساز و کار زبانی این قواعد واژگانی بودند که پراهمیت‌تر از قواعد گشتاری عمل می‌کردند. در توسعه‌ی مکاتب زبان‌شناسی عوامل بسیاری دخیل بودند که پرداختن به آنها از حیطه‌ی علمی این پژوهش خارج است. از میان مکاتب گوناگون چهارچوب نظری دستور نقش و ارجاع در مکتب نقشگرایی معرفی شد. عمده فعالیت‌های این چهارچوب دستوری بر زبان‌هایی غیر از زبان‌های هند و اروپایی انجام شد. دستور نقش و ارجاع حرکتی نقشگرایانه برای پاسخگویی به دو سوال زیر است:

۱- چنانچه مطالعات زبان‌شناسی براساس زبان‌های تاگالوگ^۳، لاکوتا، دریبال (زبان‌هایی غیرزبان‌های اروپایی) انجام شود، نظریه‌ی منتج از آنها چگونه خواهد بود؟

۲- تعامل نحو-معناشناسی و کاربردشناسی درین حوزه چگونه تبیین می‌شود؟ همانگونه که از سوالات فوق برداشت می‌شود، پایه‌ی مطالعات زبان‌شناسی این چهارچوب براساس گونه‌شناسی زبان‌هاست. قسمت اعظم مطالعات آن بر روی زبان‌های بکرو دست‌نخورده‌ی قبایل آفریقا صورت پذیرفته و در تکمیل شناخت همپوشانی حوزه‌های نحو، معناشناسی و کاربردشناسی خدمات بسیاری را ارائه کرده است. در ادامه (فصل بعد) تصویر جامعی از چهارچوب نظری "دستور نقش و ارجاع" ارائه خواهد شد.

در مطالعات زبان‌شناسی از دیرباز حوزه‌های گوناگونی تعریف شده‌اند که هر یک از آنها خصیصه‌های منحصر به فردی دارند. بعنوان مثال حوزه‌ی صرف به صورت واژه‌های یک زبان می‌پردازند و درگیر چگونگی شکل‌گیری و بوجود آمدن واژه‌ها و تاریخچه‌ی کاربرد آنهاست. از دیگر حوزه‌های مهم زبان‌شناسی حوزه‌ی نحو است. نحو گامی فراتر از صرف برداشته و علاوه بر شناسایی جداگانه‌ی واژگان هر زبان، به چگونگی ارتباط واژگان با یکدیگر در زنجیره‌ی کلام می‌پردازد. کنار هم قرار

^۱ Generalized Phrase Structure Grammar by Gazdar

^۲ Lexical Functional Grammar by Bresnan

^۳ Tagaloug, Lakhota, Dirbal

گرفتن واژه‌ها در زبان‌های گوناگون بسیار متنوع است و هر زبان مناسبات منحصر به فرد خود را اتخاذ می‌کند. در ساده‌ترین حالت دستوری برای ساخت یک جمله‌ی خبری، زبان‌های دنیا راهکارهای گوناگونی را اتخاذ می‌کنند که همین امر باعث بوجود آمدن گونه‌های مختلف دستور زبان می‌شود. بعنوان مثال زبان انگلیسی گونه‌ی SVO، زبان فارسی SOV و زبان عربی VSO هستند و این تفاوت و تنوع پایه‌ی بسیاری از مطالعات در حوزه‌ی نحو است. از دیگر حوزه‌های زبانشناسی حوزه‌ی معناشناسی زبان است که به معنای برخاسته از زنجیره‌ی کلام و گروه‌های واژگانی می‌پردازد. درین حوزه معنا نقش اصلی تولید و درک خبر را ایفا می‌کند و گاه مشاهده می‌شود که برخی از اصولی که در صرف یا نحو بسیار کم‌اهمیت جلوه داده می‌شوند در این حوزه پررنگ‌تر از همیشه به‌نظر می‌رسند و درنهایت حوزه‌ی کاربردشناسی زبان که از مطالعه‌ی معنا فراتر می‌رود و گوینده و شنونده، متن و محیط، متغیرهای اصلی آن به‌شمار می‌آیند.

با گذار به مطالبی که پیش از این گفته شد، دریافتیم که دستور نقش و ارجاع علاوه بر درنظر گرفتن صورت‌های گونه‌شناختی زبان‌ها، درصدد یافتن ارتباط عمیق میان حوزه‌های مختلف زبان است. درنتیجه یکی از بهترین چهارچوب‌های نظری برای مطالعه‌ی گونه‌ای و همپوشانی حوزه‌های زبانی دستور نقش و ارجاع است.

حوزه‌های گوناگون زبان به زیرمجموعه‌های تشکیل‌دهنده‌ی خود نیز تقسیم می‌شوند. بعنوان مثال در حوزه‌ی نحو سازه‌های مختلف یک جمله بعنوان عناصر مفردی که در اجتماع با یکدیگر جمله‌ی دستوری کاملی را می‌سازند، زیرسازه‌های جمله محسوب می‌شوند. هر جمله با توجه به هدف خود دارای سازه‌هایی است که نقش‌های گوناگون را در ساختمان کلی جمله ایفا می‌کنند. یکی از آن سازه‌ها محمول است که بعنوان هسته‌ی اصلی ساختمان جمله و پایه‌ریز کل بنا محسوب می‌شود. نقش اساسی محمول در فصل‌های بعدی پژوهش حاضر به صورت مشروح بیان خواهد شد.

ساختمان جمله با توجه به محمول آن ساخته می‌شود و عنصر تعیین‌کننده حضور دیگر اعضای یک جمله محمول آن است. از مقوله‌هایی که اجازه‌ی حضور خود را از محمول دریافت می‌کنند، موضوعها هستند. در چهارچوب‌های نظری مختلف این جواز حضور با دلایل گوناگونی معرفی شده‌اند. اعطای حالت، نظریه‌ی نقش‌های تتا، ظرفیت واژگانی محمول و... همگی از آن دسته‌اند.

اما آنچه که موضوع مورد بحث این پژوهش است وجود عناصری جدا از محمول و موضوع‌های آن است. افزوده‌ها عناصری هستند که به لحاظ نحوی در تقابل با موضوع قرار می‌گیرند و اجباری برای حضور در سطح جمله ندارند اما بررسی‌های گوناگون نشان داده است که حتی افزوده‌ها دارای محدودیت‌هایی برای حضورند. به عبارت دیگر اگرچه افزوده از لحاظ نحوی مقید نیست اما با توجه به مناسبات معنایی و کلامی جمله به دو دسته‌ی افزوده‌ی مقید(اجباری) و افزوده‌ی غیرمقید (آزاد) تقسیم می‌گردد.

حال این سوال مطرح می‌شود که «چه عنصری این محدودیت را بر افزوده اعمال می‌کند؟» از لحاظ معنایی و کلامی محمول هر جمله قادر است حضور افزوده را در جمله اجباری یا اختیاری نماید. بدین ترتیب اجباری گشتن افزوده‌ها علاوه بر عوامل نحوی و معنایی، عوامل کاربردشناختی نیز دارد. موضوع مورد بررسی در این پایان‌نامه بررسی نوع رابطه‌ی محمول با ساخت‌های نحوی و معنایی و کاربردشناختی آن در اجباری نمودن افزوده در زبان فارسی است.

۱-۲: هدف‌های تحقیق:

از میان منابعی که در دانشگاه‌های شهرهای تهران، شیراز، مشهد و همدان بصورت پایان‌نامه یافت شد و نیز در میان کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های دانشگاه‌های فوق تعداد اسناد مربوط به نظریه‌های صورتگرایی بسیار بیشتر از اسناد مربوط به نظریه‌های نقشگرایی است. در نتیجه پژوهشگر با هدف شناخت حیطة‌ای از زبانشناسی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، عنوان مورد نظر پایان‌نامه را انتخاب کرد. از سوی دیگر پرداختن به موضوع‌ها و محمول‌ها در اکثر مطالعات زبانشناسی دغدغه‌ی اصلی پژوهشگران است و کمتر به عناصر اختیاری یا عناصری که از لحاظ اهمیت درجه اول محسوب نمی‌شوند پرداخته شده است. دومین هدف پژوهش حاضر، بررسی رفتار عناصری است که در زبان و گفتار اغلب کم‌اهمیت و گاه بی‌اهمیت محسوب می‌شوند. بعنوان مثال در طول تحصیل زبان فارسی (بعنوان زبان اصلی) هیچگاه به زبان‌آموزان یادآوری نشد که قیده‌های جمله و دیگر انواع قیده‌ها گاه نقش مهمی در ساختمان جمله ایفا می‌نمایند، تا بدان جا که حذف آنها به دستوری بودن و

معنامند بودن جمله خلل وارد می‌کند. در نتیجه از این طریق بابتی برای شناساندن سامانه‌ی عملکرد آنها و نقش مهم آنها در برخی از جایگاه‌ها گشوده شد. امید آنکه با شناسایی افزوده‌ها و نقش مهم آنها در حوزه‌ی معناشناسی و کاربردشناسی تغییراتی در شیوه‌ی آموزش زبان فارسی به فارسی‌زبانان و دیگر زبان‌آموزان فارسی اعمال شود.

و در آخر اینکه، در میان دانشجویان زبان‌شناسی تا آنجا که پژوهشگر پایان‌نامه‌ی حاضر مطلع است، علاقه‌ی وافری نسبت به صورتگرایی و دیگر چهارچوب‌های نظری وجود دارد که زبان را به مثابه ابزاری جدا از متن و صرفاً مطالعات زبانی را در محیط آزمایشگاهی و دور از کشمکش‌های رایج زبان میان افراد می‌دانند. هدف اصلی ارائه‌ی چنین پژوهشی آشنایی بیشتر پژوهشگر با نظریه‌های نقش‌گرا و تأکید و یادآوری نقش پررنگ معناشناسی و کاربردشناسی بعنوان محرک اصلی نحو و ساختمان‌بندی جمله است. به نظر پژوهشگر حاضر جمله‌ای که دور از محیط معنایی ملموس و به دور از انگیزه‌های کاربردی و صرفاً جهت مطالعه‌ی بی‌چون و چرا و از پیش تعیین‌شده ساخته شده باشد جمله‌ی واقعی محسوب نمی‌شود و تنها مجسمه‌ای است که نه روح دارد و نه حرکت و این جمله را که، با زبان کاربردی و گفتمانی هر روزه‌ی کاربران زبان‌های گوناگون بسیار بیگانه است. در نتیجه، پژوهشگر درصدد است تا هر جا که جمله‌ای بعنوان مثال آورده میشود، محیط استعمال و دیگر مؤلفه‌های دخیل معنایی و کاربردی آن را کاملاً شرح دهد تا از کژتابی‌ها و ابهامات درکی جلوگیری بعمل آید و این بزرگترین هدف دستور نقش و ارجاع است.

۱-۳: اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن:

دستور نقش و ارجاع دستوری است که براساس زبان‌هائی غیر از زبان‌های هند و اروپائی نوشته شده است و نقطه‌ی عطف آن پرداختن به تعامل سه جانبه‌ی نحو، معناشناسی و کاربردشناسی است. در دستور نقش و ارجاع زبان به مثابه یک سامانه است که در هر حوزه بصورت تک‌لایه‌ای^۱ عمل می‌کند و سپس با الگوریتم خاصی به حوزه‌ی دیگر متصل می‌گردد. بعنوان مثال زبان در حوزه‌ی نحو نمودی

^۱ Monolayer

تک لایه دارد و آن صرفاً ساختمان صوری جمله است. زبان در حوزه‌ی معناشناسی نیز دارای ساخت منطقی^۱ است که در فصل‌های بعد بصورت کامل به آن پرداخته می‌شود و عملکرد هر موضوع توسط توزیع آن موضوع تعریف می‌شود. در حوزه‌ی کاربردشناسی نیز عواملی چون محیط، حالات گوینده، حالات شنونده، قدرت، سلطه و... بر ساختمان نحوی جمله اثر می‌گذارند.

دستور نقش و ارجاع به روابط دستوری بیان شده در دستورهای سنتی توجهی ندارد و نقش دستوری، نمود معنایی و نمود کاربردی را بوسیله‌ی الگوریتم به یکدیگر مرتبط می‌سازد. چنانکه بخواهیم دستور نقش و ارجاع را در یک جمله مختصر کنیم، چنین می‌توان گفت که دستور نقش و ارجاع تفاوت چشمگیر در سامانه‌های دستوری زبان را حاکی از نقش‌های متفاوتی می‌داند که سازه‌ها در سطح جمله بازی می‌کنند. در نتیجه در دستور نقش و ارجاع:

۱- نحو وابستگی کاملی با معناشناسی و کاربردشناسی دارد.

۲- نقش‌های دستوری سنتی مثل فاعل و مفعول در دستور نقش و ارجاع به کلان‌نقش‌ها^۲ مبدل شده‌اند که عمده‌ی آنها عامل و عمل‌پذیر است.

۳- ساخت هر بند در دستور نقش و ارجاع به مورد ۱ و ۲ وابسته است و در ارتباط مستقیم با ساخت معنایی و ساخت کاربردی و کلان‌نقش‌ها قرار دارد.

در نتیجه محصول کلامی در این چهارچوب دارای ویژگی‌های منحصر به فرد نحوی و معنایی و کاربردی است. در بررسی ظرفیت موضوعی هر محمول گاهی تفاوت‌هایی در ویژگی‌های نحوی و معنایی آن دیده می‌شود که رفتار یک عنصر واحد را در جایگاه‌ها و حالات گوناگون دستخوش تغییر می‌کند. در نتیجه برخلاف دیگر دستورهای زبانی روند مطالعات در این دستور تکرارشونده و

الگوپذیر دائمی نیست. شالوده‌ی نظری دستور نقش و ارجاع در ۱۹۹۷ پی‌ریزی شد، در نتیجه مطالب زیادی وجود دارند که هنوز دست‌نخورده باقی مانده‌اند. استناد به این که در میان تمامی پایان‌نامه‌های دانشگاه‌های آزاد و سراسری در استان تهران که قطب اصلی کارشناسی ارشد و دکتری زبان‌شناسی کشور محسوب می‌شود، پایان‌نامه یا سند کتبی جامعی یافت نشد که تمام سعی آن شناخت دستور

^۱ Logical Structure

^۲ Macroroles

زبان نقش و ارجاع باشد، بلکه اغلب آنها تنها فصلی را به دستور نقش و ارجاع اختصاص دادند و یا تنها به شناخت حدود و ظرفیت‌های آن بصورت عام بسنده نمودند. این انگیزه‌ای قوی بود تا پژوهشگر حاضر دستور نقش و ارجاع را بعنوان چهارچوب نظری پایان‌نامه‌ی خود انتخاب نماید. از سوی دیگر رفتار افزوده‌ها در میان اسناد یادشده، تنها در نظریه‌ی ایکس تیره مطالعه شده بود و عملاً در تمام مطالعات ساختگرایانه واحدی بنام «افزوده‌ی اجباری^۱» یا «افزوده‌ی ثابت^۲» یا «افزوده‌ی متممی^۳» مشاهده نشد. بلکه صورتگراها افزوده‌ها را صرفاً عناصری اختیاری می‌دانند. در نتیجه یافتن خصیصه‌ای که در برخی از چهارچوب‌ها، بالاخص چهارچوب معروف صورتگرا به هیچ عنوان مطرح نشده است بسیار جالب‌نظر بود. از سوی دیگر همپوشانی سه حوزه‌ی نحو، معناشناسی و کاربردشناسی و دخالت مستقیم مؤلفه‌های کاربردی درین رهیافت دیدگاه جدیدی نسبت به ساختمان جمله بود. گرچه پیش از این در کنار نحو، معناشناسی و کاربردشناسی، دو حوزه‌ی مطالعاتی مجزا در زبانشناسی محسوب می‌شدند اما دستور نقش و ارجاع آن دو را حوزه‌های مجزای مطالعاتی نمی‌داند، بلکه دخالت مستقیم آنها را در نحو به زبانشناسان گوشزد می‌کند تا آنجا که هیچ جمله‌ای بدون دخالت مؤلفه‌های معنایی - کاربردی منعقد نمی‌گردد، مگر آنکه صرفاً جمله‌ای بی‌بر و ابتر باشد. از دیگر نکات جالب توجه دستور نقش و ارجاع منبع رشد و توسعه‌ی آن است که بر پایه‌های زبان‌هایی جز زبان‌های هند و اروپائی شکل گرفته است. در نتیجه فارسی‌زبان بودن فرصت مناسبی بود تا خصیصه‌ها و مؤلفه‌های این دستور در زبان فارسی آزمایش شوند تا ازین رهگذر صحت آن بیش از پیش تأیید گردد و یا نقطه‌ی مقابلی برای آن ایجاد شود که برخی از نقاط ضعف آن را مشهود سازد.

۱- ۴: پرسشها و فرضیه‌های تحقیق:

- پرسشهای تحقیق:

^۱ Obligatory Adjunct

^۲ Fixed Adjunct

^۳ Complementary Adjunct

پرسش اصلی: چه عواملی وجود افزوده‌ها را اختیاری و چه عواملی وجود افزوده‌ها را اجباری می‌نماید؟

پرسش ۱: ساخت معنایی محمول چه محدودیت‌هایی بر افزوده‌ها اعمال می‌نماید؟

پرسش ۲: عوامل کاربردشناختی چه تاثیری بر اجباری شدن افزوده دارند؟

- فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی: عوامل نحوی، معنایی و کاربردشناختی در اجباری یا اختیاری بودن افزوده‌ها دخیل هستند.

فرضیه ۱: مؤلفه‌های معنایی هر محمول و ویژگی‌های ساخت واژگانی آن هم‌چون وجه، [±پایان‌پذیری]، [±جهت]، [±لحظه‌ای]، شبکه‌ی تتایی و... در اجباری بودن برخی از افزوده‌ها دخالت دارند.

فرضیه ۲: عوامل فرامتنی چون ساخت اطلاعی، تأکید، عنوان جدید و... در اجباری شدن افزوده‌ها دخیل‌اند.

۱-۵: مدل تحقیق:

موضوع اصلی این پایان‌نامه بررسی رفتار افزوده‌ها بعنوان عناصری که در حوزه‌ی نحو اختیاری و گاه در حوزه‌های معناشناسی و کاربردشناسی اجباری تلقی می‌شوند، است. مدل نظری این پژوهش دستور نقش و ارجاع است که مبانی و اصول سازنده‌ی آن در فصل بعدی بصورت مشروح بیان خواهد شد. پژوهشگران از سراسر دنیا رفتار افزوده‌ها را بر روی زبان‌هایی چون دریال، مالزیایی، انگلیسی، کره‌ای، چینی، اسپانیایی و... مورد بررسی قرار داده‌اند و روش تحقیق و مدل اجرایی آنها کمک شایانی به پژوهشگر حاضر نموده است.

تحقیق حاضر به شیوه‌ی کیفی، توصیفی-تحلیلی انجام شده و تمامی جمله‌های مورد مطالعه از میان جملاتی انتخاب شده‌اند که برای گویشور بومی کاملاً آشنا و کاربردی است. تحقیق حاضر، تلاشی

در جهت شناخت بیشتر افزوده‌ها در چهارچوب نظری دستور نقش و ارجاع و یافتن سندی برای تائید صحت و یا ردّ نظریه در زبان فارسی است.

۱-۶: تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه‌های کلیدی:

پایان پذیری^۱: در علم زبانشناسی مفهوم نهایت پذیری یا پایان پذیری از خصیصه‌های فعل یا گروه فعلی که بر اتمام یافتن عمل یا حالتی دلالت می‌کند. (کریستال، ۲۰۰۹، ۴۸)

آغازین بودن^۲: در بسیاری از زبان‌های دنیا محمول‌هائی وجود دارند که به صورت آغازین یک عمل دلالت می‌کنند. آغاز عمل در این زبان‌ها گاه با پسوندها و پیشوندهایی بر فعل بارز می‌شود مثل زبان روسی و فارسی باستان و گاه شنونده از سیاق سخن و ساختمان جمله دریافت می‌کند که محمول آغازین است مثل زبان فارسی. در تصریف افعال فارسی در زمان‌های گوناگون به مسئله‌ی آغازین بودن محمول کمتر اشاره شده است. (کریستال، ۲۰۰۹، ۱۰۳)

ساختار اطلاعاتی^۳: لمبرکت^۴ در تعریف ساختار اطلاعاتی جمله می‌گوید:

«ساختار اطلاعاتی مؤلفه‌ای از دستور است که در آن گزاره‌ها به‌عنوان نمودهایی از وضعیت امور با ساختارهای واژگانی و دستوری خاص وفق داده می‌شود.» هدف لمبرکت این است که تأثیر بافت‌های زبانی و بافت‌های موقعیتی بر ساخت‌های نحوی جمله را تبیین کند. وی سعی دارد در کنار عوامل و عناصر صوری، عوامل اطلاعاتی را نیز دخیل کند و نقش آن‌ها را در ساخت‌های نحوی جمله تعیین نماید. (لمبرکت، ۱۹۹۶، ۴۶)

تأکید^۵: تأکید همیشه به‌طور یکسان در جمله ظاهر نمی‌شود بلکه صورت‌های مختلفی از آن وجود دارد. دو نوع تأکید وجود دارد: تأکید اطلاعی و تأکید تقابلی. تأکید اطلاعی در هر جمله‌ای وجود دارد و صرفاً حامل اطلاع نو است؛ یعنی جمله نمی‌تواند بدون تأکید اطلاعی باشد؛ اما در مورد تأکید تقابلی این‌گونه نیست. یعنی ممکن است تأکید تقابلی، در جمله وجود نداشته باشد. در واقع، این

^۱ Telicity

^۲ Initiality

^۳ Event Structure

^۴ Knud Lambrecht

^۵ Focus

تأکید صرفاً اطلاع نو ندارد؛ بلکه عنصری است منتخب از مجموعه‌ای ممکن که در تقابل با دیگر عناصر آن مجموعه قرار می‌گیرد. (کریستال ۲۰۰۹، ۶۵)

افزوده‌های اجباری: گرچه افزوده به لحاظ نحوی سازه‌ای اختیاری است اما از دیدگاه معنایی - کلامی حضورش گاه الزامی می‌شود. (کریستال ۲۰۰۹، ۲۳)

۷-۱: روش تحقیق:

موضوع مورد بررسی درین تحقیق افزوده‌های اجباری محمول‌های بسیط زبان فارسی است، که در چهارچوب نظری دستور نقش و ارجاع در سه حوزه‌ی نحو، معناشناسی و کاربردشناسی اعمال می‌شود. در چهارچوب این نظریه محمول‌هایی از زبان فارسی که در حالات گوناگون رفتارهای متنوعی از خود نشان می‌دهند انتخاب شده، ساختار موضوعی و ظرفیت معنایی ایشان استخراج می‌شود. حوزه‌ی مطالعات درین پژوهش بر مبنای جملات ساده‌ی دستوری است و حضور عوامل معناشناسی و کاربردشناسی در آن از اهمیت ویژه برخوردار است. اسناد مکتوب گوناگونی همچون اسناد کتابخانه‌ای، اینترنتی، پایان‌نامه‌ها، مجلات و روزنامه‌ها و یادداشت‌برداری از گفتمان روزانه و معمول میان افراد، مجموع داده‌های پایان‌نامه را تشکیل می‌دهند. هر داده در حوزه‌ی نحو کاملاً بررسی شده و سپس به حوزه‌ی معناشناسی می‌رود. در آنجا تمام مؤلفه‌های معنایی و مرتبط با آن استخراج می‌شوند و زمانی که رفتار محمول از لحاظ نحوی - معنایی کاملاً تبیین شد، عوامل کاربردی دخیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بعنوان مثال فعل rain از لحاظ معنایی کامل است و اما از لحاظ نحوی بدلیل اجباری بودن حضور فاعل در زبان انگلیسی، فاعل it ظرفیت نحوی آن را تکمیل می‌نماید و یا اینکه از لحاظ نحوی حضور قید suddenly در جمله‌ای مثل:

۱) The accident happened .

غیرضروری به نظر می‌رسد و چنین جمله‌ای نیاز به قید یا افزوده‌ی فوق ندارد. اما از لحاظ معنایی و کاربردشناسی در مثال زیر حضور افزوده مسجل می‌شود.

۲) A: Did you know about that?

B: Not at all. The accident happened suddenly.

بدین ترتیب مشخص می‌شود که شناخت رفتار افزوده‌ها و محمول‌ها نیازمند مطالعه‌ی دقیق و یک به یک آنهاست. البته گاه میتوان افزوده‌ها و محمول‌ها را بصورت دسته‌های مشابه تقسیم‌بندی نمود و از طریق قیاس به نتایجی رسید. بعنوان مثال در تمام مکالماتی که تأکید پرسش درباره‌ی افزوده‌هاست، حضور افزوده‌ها اجباری است.

جمله‌ی I saw the man به لحاظ نحوی کامل است اما زمانیکه شنونده از چیزی می‌پرسد که افزوده است، ناگزیر چنان افزوده‌ای به لحاظ کاربردشناختی افزوده‌ی اجباری تلقی می‌شود.

۳) A: Where did you see him?

B: I saw the man in the street.

I saw the man!

در نتیجه از طریق توصیف داده‌ها و تحلیل آنها ظرفیت نحوی – معنایی هر محمول استخراج شده است و با گنجاندن عوامل کاربردشناختی و موقعیت‌سازی حضور اجباری یا اختیاری افزوده‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. عوامل اجباری یا اختیاری بودن حضور سازه‌هایی با عنوان افزوده در فصل‌های بعدی به صورت کامل شرح داده خواهد شد.

۸-۱: قلمرو تحقیق:

این تحقیق کیفی و براساس نحو معنابنیاد است و در زبان فارسی انجام می‌گیرد و صرفاً افعال بسیط مورد بررسی قرار می‌گیرند. حوزه‌های نحو، معناشناسی و کاربردشناسی در این پژوهش دخالت دارند و انواع گوناگون افزوده‌ها مورد توصیف و تحلیل قرار می‌گیرند. متغیرهای جنس، سن، تحصیل و... در چنین پژوهشی لحاظ نشده‌اند و مجموع یافته‌های پژوهش حاضر در حوزه‌ی زبانشناسی نظری و عملی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

از لحاظ نظری شناخت دقیقی بر رفتار افزوده‌ها و محمول‌ها انجام خواهد شد و در نتیجه در عمل (بعنوان مثال در ترجمه‌ی ماشینی، ارائه‌ی مدل دستوری، ساخت نرم‌افزارهای تجزیه‌زبانی^۱ و...)

^۱ Parsing Applications

مورد استفاده قرار خواهد گرفت. از آنجا که جامعه‌ی متشکل از افراد و جامعه‌ی نمونه یا کنترل درین تحقیق جایگاهی ندارد، خودبه‌خود تشریح و توصیف این مقوله‌ها منتفی است و عمده فعالیت‌ها و جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل و توصیف آنها بصورت تحقیق کتابخانه‌ای و براساس منابع مکتوب و اسناد پژوهشی صورت گرفته است.

۹-۱: محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق:

حوزه‌ی مطالعاتی این پژوهش به بررسی بندهایی محدود است که در اصطلاح به آنها جمله‌ی ساده گویند. شایان ذکر است حضور عوامل متنی و معنایی و کاربردی در اسناد مکتوب قابل رویت نیست. در نتیجه پژوهشگر حاضر با شبیه‌سازی محیط و ذکر مثال‌های برگرفته از متن واقعی و بازسازی رفتارهای کلامی محدودیت فوق را تا حد امکان برطرف مینماید. از دیگر محدودیت‌های تحقیق حاضر، کمبود منابع، بعنوان مرجع علمی تحقیق است. موضوع مورد بحث درین پایان‌نامه در زبان فارسی، جدید قلمداد می‌شود، در نتیجه در میان منابع زبان فارسی سندی که مستقیماً به چنین موضوعی بپردازد یافت نشد، اما اسناد بسیاری وجود دارند که رفتار محمول‌ها، موضوع‌ها و افزوده‌ها را در یکی از سه حوزه‌ی نحو - معنانشناسی و یا کاربردشناسی مطالعه نموده‌اند. چنان‌که گفته شد اغلب این مطالعات در چهارچوب نظریه‌های صورتگرا چون دستور گشتاری، حاکمیت و مرجع‌گزینی و برنامه‌کمینه‌گرا ... بوده‌اند، اما پژوهشگر تا آنجا که دستور نقش و ارجاع به او اجازه می‌داد از مطالب دیگر پژوهشگران بهره برده است. در میان پژوهشگران غیرفارسی‌زبان پایه‌گذار دستور نقش و ارجاع بعنوان تنها پیشرو مطالعات رفتار محمول و افزوده منبع اصلی و تکیه‌گاه این پژوهش به حساب می‌آید. از سوی دیگر اکثر مقاله‌هایی که درباره‌ی دستور نقش و ارجاع ارائه شده‌اند در سایت رسمی کنفرانس بین‌المللی دستور نقش و ارجاع قابل دسترسی هستند. مقاله‌ی تعداد محدودی از پژوهشگران که به مقوله‌ی افزوده‌ها پرداخته‌اند در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. در نتیجه منبع اصلی این تحقیق جستجوی اینترنتی است و این خود از عوامل تحدید